

استراتژی آمریکای پسا ترامپ در قبال چین

اگرچه دیپلماسی دیرزمانی است که در خط مقدم تعاملات پکن و واشنگتن قرار داشته، اما ظهور رهبرانی خودرأی که در حصار محدودیت‌های سیاسی گرفتارند، در کنار خیزش امواج نوینی از ناسیونالیسم در ایالات متحده و چین، این ابزار را ناکارآمد ساخته است. با این حال، برای اندیشیدن به یک معماری جدید جهت تعامل، هرگز زود نیست.

با قرار گرفتن سکان هدایت ایالات متحده در دستان رئیس‌جمهوری بی‌ثبات، دیپلماسی کنونی پاسخگوی رابطه مستعد درگیری میان آمریکا و چین نیست. تضاد فاحش میان ناپایداری ذاتی دونالد ترامپ و عزم راهبردی ششی‌جین‌پینگ، کفه ترازو را کاملاً به نفع چین سنگین کرده و این بدین معناست که حل‌وفصل مؤثر مناقشات، تکلیفی است که به دوران پساترامپ موکول شده است.

همیشه این گونه نبود. در اوایل دهه ۱۹۷۰، دیپلماسی در کانون تعاملات چین و آمریکا قرار داشت. هنری کیسینجر و چو آن لای که در هنر استراتژی کلان کارآزموده بودند و تحت فرمان ریچارد نیکسون و مانو عمل می‌کردند، ماهرانه مثلی را در جنگ سرد ترسیم کردند که روابط قدرت‌های بزرگ را بازتعریف کرد. در سال‌های میانی، اجلاس‌های سران به الگویی برای حفظ روابط دوجانبه بدل شد. اما برآمدن رهبرانی متکی به فردیت که از نظر سیاسی محدود بودند و اغلب در این توهم به سر می‌پرند که از مهارت‌های خارق‌العاده‌ای در متقاعدسازی شخصی برخوردارند، اجتناب از اختلافات میان دو ابرقدرت را بسیار دشوار ساخت، چه رسد به حل‌وفصل آن‌ها. هیچ‌یک از طرفین نمی‌توانستند اجازه دهند که ضعیف به نظر برسند؛ بدین‌سان، حل‌وفصل مناقشات واشنگتن-پکن به تلاشی صرف برای «حفظ آبرو» تقلیل یافت.

پیدایش رگه‌های جدید ناسیونالیسم در آمریکا و چین نیز سדרاه دیپلماسی شده است. ایالات متحده در جنگل یک «چین‌هراسی» مخرب گرفتار شده است. به‌رغم دوقطبی‌سازی فرساینده در جامعه آمریکا، احساسات ضدچینی از حمایت گسترده هر دو حزب برخوردار است و دستور کار دیپلماتیک واشنگتن بازتاب‌دهنده این تعصب فزاینده است. با وجود سیستم‌تک‌حزبی، ملاحظات سیاسی در چین نیز به همان میزان حائز اهمیت است. اقتدار شی بر وعده او برای تحقق «روایی چینی» یا «نوسازی بزرگ ملت چین» استوار است. اما بدون رشد اقتصادی پایدار، او با خطر عدم تحقق این وعده و مواجهه با موجی از خشم عمومی و درون‌حزبی روبه‌روست.

بهترین سناریویی که می‌توان به آن امید داشت، «ایستایی» در مسائل مورد مناقشه نظیر تجارت، فناوری، تبادلالت مردهی و تایوان است. اما حتی این چشم‌انداز هم ممکن است خوش‌بینانه باشد: بسته تسلیحاتی جدید ۱۱ میلیارد دلاری دولت ترامپ برای تایوان می‌تواند منبع تازه‌ای از بی‌ثباتی در روابط باشد. تا زمانی که یک ترامپ ستیزه‌جو، یا یکی از مریدانش، در قدرت باقی بماند، شانس بسیار اندکی برای حل‌وفصل پایدار مناقشه وجود دارد. «توافق‌های» گاه‌وبیگاه و ناپایدار، آمیدی برای ثبات ماندگار ایجاد نمی‌کنند؛ به‌ویژه به این دلیل که این توافق‌ها متکی به همان مناقشاتی هستند که ظاهراً قصد حل آن‌ها را دارند (بدون درگیری، توافقی هم در کار نخواهد بود). در عین حال، چین اصلاً شباهتی به یک ناجی که بتواند رهبری سیاسی باثباتی را در جهانی پراشوب ارائه دهد، ندارد.

گذر از هر جومرج آمریکای دوقطبی امروز به عصری جدید از انسجام، مدنیت و حل مناقشه، ممکن است نیازمند چیزی کمتر از یک نقطه عطف سیاسی نباشد. برای بسیاری از آمریکایی‌ها، درحالی‌که ترامپ سلطه خود را بر دولت تحکیم می‌کند، چنین تغییری در حال حاضر نامحتمل به نظر می‌رسد. اما از اواسط دهه ۱۸۵۰، وابستگی حزبی ریاست‌جمهوری در ۱۹ انتخابات از مجموع ۴۴ انتخابات، بین جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها دست‌به‌دست شده است؛ از پایان جنگ جهانی دوم نیز بسامت تغییر حزب حتی بیشتر شده است. همین امر در مورد کنترل مجلس نمایندگان و سنا نیز صادق است. همه این‌ها نشان‌دهنده این احتمال است که جنبش ماگا در درازمدت بر آینده آمریکا مسلط نخواهد ماند. تنها به همین دلیل، خیلی زود نیست که شروع به تفکر درباره «تنش‌زدایی» باچین به‌عنوان ویژگی کلیدی دستور کار سیاست‌خارجی پساترامپ کنیم. به‌ویژه که موفقیت در آن به احتمال زیاد نیازمند معماری جدیدی برای تعامل خواهد بود.



محمدحسین لطف‌الهی

خبرنگار بین‌الملل

رؤسای جمهور ایالات متحده و اوکراین پس از گفت‌وگوها در روز یکشنبه تلاش داشتند که با ارائه تصویری امیدوارانه از آینده پایان جنگ را اتفاقی محتمل و نزدیک توصیف کنند اما واکنش مسکو نشان می‌دهد، مسکو تمایلی به پایان جنگ با شرایط فعلی ندارد.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا روز یکشنبه در مارآلاگو پس از گفت‌وگو با ولودیمیر زلنسکی، همتای اوکراینی خود اعلام کرد که دو طرف مذاکراتی «فوق‌العاده» داشته‌اند و «پیشرفت زیادی» در مسیر پایان دادن به جنگ در اوکراین اتفاق افتاده است. زلنسکی نیز گفت که او و ترامپ درباره «همه جنبه‌های» طرح صلح ۲۰ ماده‌ای بحث کرده‌اند و «۹۰ درصد» از مسیر دستیابی به توافق را پیموده‌اند. او افزود که جنبه‌های نظامی این طرح به‌طور کامل مورد موافقت دو طرف قرار گرفته اما جزئیات بیشتر راجع به این جنبه‌ها ارائه نکرد. دیدار روز یکشنبه رهبران آمریکا و اوکراین که یک روز بعد از حمله گسترده موشکی و پهپادی روسیه به شهر کی‌یف اتفاق افتاد، نقطه اوج تلاش‌ها برای متوقف کردن بزرگ‌ترین جنگ زمینی اروپا در هشت دهه گذشته بود. با این حال، به‌رغم اظهارات ترامپ و زلنسکی به نظر می‌رسد پیشرفت حاصل شده بر سر موضوعات کلیدی که تا امروز مانع دستیابی به صلح هستند اندک بوده است. زلنسکی روز دوشنبه و همزمان با سفر اروپایی خود در یک گفت‌وگوی واتس‌اپی با خبرنگاران اظهار کرد که اوکراین از اعتبار زمانی تضمین امنیتی ایالات متحده راضی نیست: «آمریکا در گفت‌وگوهای ابتدایی اعلام کرده که تضمین امنیتی ارائه شده از سوی واشنگتن به کی‌یف تا ۱۵ سال اعتبار خواهد داشت اما ما معتقدیم این زمان بسیار کم است. من به ترامپ گفتم که ما می‌خواهیم اعتبار زمانی این تضمین امنیتی ۲۰، ۴۰ یا حتی ۵۰ سال باشد و او گفت به این مسئله فکر می‌کند.»

▼ ادعای حمله به پوتین و بازنگری در مواضع روسیه

مواضع اتخاذشده از سوی روسیه نشان می‌دهد مسکو چندان تمایلی به پذیرش صلح در شرایط فعلی ندارد و باور دارد می‌تواند در میدان جنگ به‌طور کامل به اهداف خود دست پیدا کند. از نگاه مسکو، این حقیقتی است که باید از سوی اوکراین و متحدان غربی این کشور پذیرفته و مذاکرات با این نوع نگاه دنبال شود. تنها یک روز بعد از مذاکرات ترامپ و زلنسکی و به‌رغم اظهار امیدواری ترامپ برای پایان جنگ، روسیه روز دوشنبه اوکراین را به تلاش برای حمله پهپادی به اقامتگاه ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور این کشور متهم کرد و بدون ارائه مدارک مستند، وعده اقدام تلافی‌جویانه داد. کی‌یف بلافاصله این ادعا را «بی‌اساس» خواند و آن را ترفندی برای به انحراف کشاندن مذاکرات دشوار صلح توصیف کرد.

رویترز در تحلیلی پیرامون این ادعای مسکو نوشته است: «تشدید تنش‌ها میان روسیه و اوکراین، ضربه‌ای تازه به چشم‌انداز صلح وارد کرده است.»

دونالد ترامپ اعلام کرد که پوتین در تماس تلفنی صبح دوشنبه او را از جزئیات این حمله ادعایی آگاه کرده و این موضوع خشم او را برانگیخته است. با این حال، او بار دیگر بر باور خود مبنی بر «زدیک بودن» توافق صلح تأکید کرد.

ترامپ پس از این تماس، در جمع خبرنگاران در خارج از اقامتگاه خود در پالم‌بیچ فلوریدا گفت: «خوی‌تهاجمی داشتن یک مسئله است، اما حمله به خانه شخصی فرد مسئله‌ای دیگر. اکنون زمان مناسبی برای هیچ‌یک از این اقدامات نیست. من امروز این موضوع را از زبان رئیس‌جمهور پوتین شنیدم و بابت آن بسیار خشمگین شدم.»

پوتین در روز دوشنبه با اتخاذ لحنی تهاجمی، به ارتش خود فرمان داد تا عملیات برای تسلط کامل بر منطقه زاپوریژیا را با قدرت ادامه دهند. هم‌زمان، کرملین درخواست‌های خود مبنی بر خروج نیروهای کی‌یف از آخرین بخش‌های تحت کنترل در منطقه دونباس را تکرار کرد. به گفته یکی از دستیاران پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در تماس با ترامپ تصریح کرده است که مسکو در پی این حمله پهپادی گزارش شده، در حال بازنگری در مواضع خود است.

سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، مدعی شد که اوکراین در روزهای ۲۸ تا ۲۹ دسامبر تلاش کرده است با ۹۱ پهپاد دوربرد به اقامتگاه پوتین در منطقه «نووگورود» در غرب مسکو حمله کند که تمامی آن‌ها توسط پدافند هوایی منهدم شده‌اند. طبق اظهارات نقل شده از او در رسانه‌های روسی، این حادثه هیچ تلفات یا خسارتی در پی نداشته است اما هنوز مشخص نیست پوتین در زمان حمله ادعایی در اقامتگاه بوده است یا خیر. لاوروف با توصیف این اقدام به عنوان «ترویسسم دولتی» هشدار داد: «چنین ماجراجویی‌هایی بی‌پاسخ نخواهد ماند و اهداف برای حملات تلافی‌جویانه توسط نیروهای مسلح روسیه از پیش تعیین شده‌اند.»

در سوی دیگر، ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، این ادعای روسیه را «دروغ‌پردازی محض» خواند و روسیه را متهم کرد که در حال زمینه‌چینی برای حمله به ساختمان‌های دولتی در کی‌یف است. زلنسکی تصریح کرد: «واضح است که مادیروز جلسه‌ای با ترامپ داشتیم. برای روس‌ها، اگر هیچ تنش‌ی میان ما و آمریکا نباشد و پیشرفتی حاصل شود، یک شکست محسوب می‌شود؛ زیرا آن‌ها خواهان پایان جنگ نیستند. اطمینان دارم که آن‌ها صرفاً در حال زمینه‌چینی برای حملاتی جدید، احتمالاً به پایتخت یا ساختمان‌های دولتی هستند.»

جنگ اوکراین

لاوروف در مصاحبه‌ای تفصیلی با خبرگزاری دولتی «ریا» که اواخر دوشنبه منتشر شد، تأکید کرد که اوکراین و غرب باید با این واقعیت کنار بیایند که «ابتکار عمل راهبردی» در میدان نبرد کاملاً در اختیار ارتش روسیه است.

یورونیوز نوشته است: هم‌زمان با ادامه مذاکرات روسیه بامداد سه‌شنبه حملات گسترده پهپادی و موشکی تازه‌ای را علیه چندین شهر اوکراین آغاز کرد، رسانه‌های محلی گزارش دادند که این حملات بار دیگر زیرساخت‌های حیاتی این کشور را هدف قرار داده است. وزارت انرژی اوکراین در بیانیه‌ای در تلگرام اعلام کرد: «روسیه دوباره زیرساخت‌های انرژی ما را هدف حمله قرار داده است»، و افزود که این حملات به قطع برق در چندین منطقه از حمله کی‌یف انجامیده است.

مسکو با حمله به زیرساخت‌های انرژی اوکراین می‌کوشد در فصل زمستان، اوکراینی‌ها را از دسترسی به گرمایش و آب محروم کند. روسیه از زمان آغاز تهاجم تمام‌عیار خود علیه اوکراین در اوایل سال ۲۰۲۲، بارها شبکه‌های برق این کشور را هدف قرار داده است؛ رویکردی که کی‌یف آن را «استفاده از زمستان به‌عنوان ابزار جنگی» توصیف می‌کند.

▼ مسیر طی‌شده

اواخر ماه نوامبر، ایالات متحده پس از ماه‌ها گفت‌وگو با اوکراین و روسیه، یک طرح صلح ۲۸ ماده‌ای را برای پایان دادن به جنگ اوکراین ارائه کرد.

نخستین بحث مطرح‌شده در طرح صلح ۲۸ ماده‌ای، تأیید حاکمیت ملی اوکراین و وعده اعطای تضامین امنیتی معتبر به این کشور از سوی ایالات متحده بود. با این حال، جزئیاتی درباره تضامین امنیتی، کیفیت این تضامین و مکانیسم عمل آن‌ها مطرح نشده بود که خود می‌توانست یک نگرانی بزرگ برای اوکراینی‌ها و دلیل مهمی برای نپذیرفتن طرح باشد.

صلحی که نرسید

چرا پایان جنگ اوکراین در کوتاه‌مدت محتمل نیست

در این طرح آمریکایی، آورده شده بود که تعداد نیروهای نظامی ارتش اوکراین باید به کمتر از ۶۰۰ هزار نفر محدود شود. این در حالی بود که اوکراین در آن زمان بین ۸۰۰ تا ۸۵۰ هزار نفر پرسنل نظامی داشت و با چالش‌های زیادی در تأمین نیروی انسانی کافی و آموزش دیده برای دفاع در برابر حملات روسیه دست و پنجه نرم می‌کرد.

در بندهای هفت و هشت طرح پیشنهادی آمریکا آمده بود که اوکراین باید قانون اساسی خود را تغییر دهد و در این قانون اساسی اعلام کند که به نانو نخواهد پیوست. همچنین نیروهای ناتو برای همیشه از استقرار در اوکراین منع می‌شدند. در مقابل اوکراینی‌ها اجازه می‌یافتند که مسیر عضویت در اتحادیه اروپا را دنبال کنند. از طرفی اوکراین باید متعهد می‌شد که برای همیشه یک کشور غیرهسته‌ای باقی خواهد ماند و به سوی تولید بمب اتم نخواهد رفت.

امتیازات سیاسی زیادی هم در این طرح برای ارائه به روسیه وجود داشت. آمریکا تعهد می‌کرد که ادغام دوباره اقتصاد روسیه در اقتصاد جهانی را تضمین کند و گفت‌وگوهایی را با مسکو برای رفع تحریم‌ها کلید بزند. همچنین از روسیه دعوت می‌شد تا یک بار دیگر به «گروه هشت» بپیوندد. «گروه هشت» در سال ۲۰۱۴ و پس از کنار گذاشته شدن روسیه از این گروه به دلیل اشغال شبه‌جزیره کریمه، به گروه هفت تبدیل شده بود.

در زمینه اختلافات سرزمینی نیز طرح آمریکا سوگیری قابل توجهی به سوی روسیه داشت؛ کریمه، لوهانسک و دونتسک به صورت دوقاکتو به عنوان خاک روسیه شناخته می‌شدند و مرز در دو استان زاپروریژیا و خرسون خطوط مقدم وقت بود. در مقابل این امتیازات، روسیه می‌پذیرفت که نیروهایش را از هر منطقه‌ای خارج از ۵ استان مورد اشاره عقب بکشد و ادعایی درباره سایر مناطق اوکراین نداشته باشد.

بر مبنای طرح ارائه‌شده از سوی کاخ سفید، نیروهای

